

مؤلفه‌های اقتصاد سالم از نگاه اسلام

آیت‌الله جوادی آملی از مراجع تقلید گفت: اقتصاد سالم در زندگی مومنان به معنای پرهیز از رشوه، قمار، ربا و هرگونه خوردن مال باطل است.



آیت‌الله جوادی آملی از مراجع تقلید گفت: اقتصاد سالم در زندگی مومنان به معنای پرهیز از رشوه، قمار، ربا و هرگونه خوردن مال باطل است.

به گزارش شبکه اجتهاد، در شماره اخیر مجله پاسدار اسلام، مطالبی از آیت‌الله جوادی آملی توسط حجت الاسلام مصطفی‌پور بیان شده که تبیین نظرات اسلام درباره اقتصاد می‌پردازد. در ادامه به نقل این مطالب از این مجله می‌پردازیم؛
مقدمه؛ اسلام مکتبی جامع و فراگیر است که همه قلمرو زندگی انسان را مورد توجه قرار داده و برای آن برنامه ارائه کرده است. اسلام دینی نیست که تنها به قلمرو فردی زندگی انسان پرداخته و از بعد اجتماعی زندگی او غافل باشد. براین اساس است که می‌توان مجموعه برنامه‌های اسلامی را با توجه به انواع روابط انسان در پنج بخش تنظیم کرد.

یکی از انواع روابط انسان، رابطه او با خداست. انسان باید خدا را بشناسد، به او ایمان بیاورد، از او پیروی کند و در برابر او به عبادت و خضوع و خشوع بپردازد و لذا مؤظف است نماز بخواند، روزه بگیرد و عبادات دیگر را انجام دهد.

یکی از انواع روابط، رابطه انسان با خویشتن است، بدین معنا که باید با توسل به تعالیم اسلام، به نیازهای جسمی و روحی خود توجه و از زبان رساندن به خود خودداری کند.

یکی از انواع روابط، رابطه انسان با طبیعت و محیط زیست است که باید با در نظر گرفتن قناعت، از آن در جهت رفع نیازهای خود بهره‌برداری و از هر گونه ظلم و تعدی و فساد نسبت به آن خودداری کند.

یکی دیگر از انواع روابط، رابطه انسان با مردم است. این رابطه ممکن است سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن باشد. از باب مثال آنجا که از رابطه بین حاکم و مردم و حقوق متقابل بین آنها سخن می‌گوییم، به رابطه سیاسی اشاره داریم؛ آنجا که از رعایت عدالت و دوری از ظلم سخن به میان می‌آید، منظور رابطه اجتماعی است و آنجا که در زمینه کیفیت و کمیت تولید و توزیع و مصرف و ارائه خدمات به جامعه تعالیمی را ارائه می‌دهد به بعد اقتصادی زندگی انسان نظر دارد.

مجموعه احکام اسلامی در زمینه روابط فوق به صورت واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح تنظیم می‌شوند، یکی از مسائلی که مؤمنان باید به آن توجه کنند، چگونگی تولید درآمد و مبادلات مالی با دیگران است.

اموال دیگران با تجارت و تراضی قابل تصرف است

قرآن کریم می‌فرماید دو راه برای تولید درآمد و مبادلات مالی وجود دارند: راه حق و راه باطل. مؤمنان باید راه حق را بپیمایند و از راه باطل دوری کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِرًا﴾ (سوره نسا، ۲۹ و ۳۰). یعنی این کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل و از راه‌های نامشروع نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد و خودکشی نکنید. خداوند نسبت به شما مهربان است و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است.

براساس این آیه اولاً مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شده است و اگر فردی مالک اموالی است، دیگران نمی‌توانند در آن مال تصرف کنند و ثانیاً تصرف در اموال دیگران دو راه دارد که یکی راه باطل و دیگری راه درست است که تجارت و مبادله با رضایت دو طرف است، یعنی اسلام، تجارت با رضایت دو طرف را اجازه داده است. البته در این دو آیه مطالب دیگری نیز وجود دارد که پس از این پرداخته می‌شود.

در سوره مبارکه بقره نیز خطاب به انسان‌ها فرمودند: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (بقره، ۱۸۸). یعنی اموال یکدیگر را به باطل و ناحق در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، آن را به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید گناه است.

براساس این آیه هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق، مشمول نهی خداست، یعنی معاملاتی که پایه و اساس عقلانی و هدف صحیحی ندارند، نباید انجام شوند و براساس آیات ۲۹ و ۳۰ سوره نسا، راه صحیح تجارت توأم با تراضی (رضایت دو طرف) است.

با توجه به محتوای این دو آیه اولاً باید ببینیم معنای اکل مال چیست؟ ثانیاً مقصود از باطل و اکل مال به باطل چیست و مصادیق باطل کدامند و ثالثاً مصادیق تجارت با تراضی چیست؟

معنای اکل

اکل در آیه به معنای گرفتن یا مطلق تصرف است، نه خصوص خوردن (التحقیق، ج ۱، ص ۹). مصحح این اطلاق اینکه خوردن، اولین و نزدیکترین فعل طبیعی مورد نیاز انسان است، زیرا نخستین نیازی که انسان به آن می‌پردازد، خوردن غذاست و پس از برآورده شدن این نیاز به نیازهای دیگر خود مانند لباس، مسکن و ازدواج می‌پردازد، پس اولین تصرفی که انسان بدان پی می‌برد، خوردن است و از این روست که در همه زبان‌ها از برخورد و تصرف و اخذ اموال همراه با بهره‌وری، به خوردن تعبیر می‌شود (المیزان، ج ۲، ص ۵۱) و اگر کسی زمینی، خانه یا فرش کسی را بگیرد، می‌گویند مال مردم را خورد.

اصل مالکیت خصوصی

اصل مال از آن خدای سبحان است، ولی افراد خاصی به اموال خاصی ارتباط پیدا می‌کنند که از آن به مالکیت خصوصی یاد می‌شود. قرآن فرمود: «ولا تَوَتُوا السُّفَهَاءَ اَموالکم الّتی جعل اللّهُ لکم قیاماً» (نساء، ۵) اموال خود را که وسیله قوام شماست، در اختیار سفیهان و افراد کم خرد قرار ندهید.

مصادیق مال باطل

اکل مال به باطل مصادیقی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

رشوه، کشیدن فاضلاب با دلو از چاه است

رشوه مالی است که به حاکم و قاضی می‌دهند، تا با آن حق را باطل و باطلی را حق جلوه دهد و از این راه مال دیگران را به ناحق تصاحب کنند. رشوه‌خواری از مصادیق اکل مال به باطل است. قرآن کریم از پرداخت رشوه به ««ادلاء» تعبیر می‌کند، نه ««ایفاء» و اعطا و بذل، زیرا ادلاء برای آن است که آب دور به وسیله طناب و دلو نزدیک شود و مستور و پوشیده، آشکار شود. نکته این تعبیر لطیف و تشبیه زیبایی قرآنی آن است که گاهی ممکن است صاحب‌دلی با طناب پاکیزه و دلو طاهر و پاک از چاه زمزم کوثری را استخراج کند و گاه ممکن است با طناب آلوده و دلو کثیف از چاه فاضلاب، زباله بیرون بیاورد. کسی که با رشوه دادن، مالی را به باطل دریافت می‌کند، مانند کسی است که بر فراز چاه یا گودال فاضلاب ایستاده و دلوی را به دورن آن روانه می‌کند تا لجن و کثافت بیرون بکشد. رشوه دهنده در حقیقت با پرداخت رشوه از دورن جان‌آلوده قاضی، حاکم باطل و لجن‌آلودی را بیرون می‌کشد و به سر و صورت خود، بلکه به درون جان خود می‌ریزد و این کاری غیر علاقه‌ان و نشانه دیوانگی است.

از بلاهای بزرگی که پیوسته دامن‌گیر بشر بوده مهمترین موانع اجرای عدالت اجتماعی است، زیرا انسان‌های زورمند و صاحبان قدرت و ثروت و نفوذ قادرند، با پرداخت رشوه از منافع خویش دفاع کنند و افراد محق را از حق خود محروم سازند. ناگفته نماند که گاهی رشوه دهنده عنوان آن را تغییر داده و با نام‌هایی چون هدیه، تعارف، حق و حساب، حق‌الزحمه و انعام این کار را انجام می‌دهند، ولی باید توجه داشت که این تغییر نام‌ها، در ماهیت رشوه تغییری ایجاد نمی‌کند و حکم آن حرام است.

فردی شبانه بر حضرت علی (ع) وارد شد و ظرفی پر از حلواي لذیذ به در خانه آن حضرت آورد. حضرت فرمود: این حلوا معجونی بود که من از آن متنفر شدم، گویی آن را با آب دهان یا استفراغ مار خمیر کرده بودند. به او گفتم ««اصله او زکاه ام صدقه فذلک محرم علینا اهل البیت حفال لاذا و لذلک لکنها هدیه» (آیا هدیه است؟ زکات یا صدقه بر ما اهل بیت حرام است). به او گفتم: ««هبلنک الهبول اعن دین الله اتیتنی لتخذ عنی، الحتبط انت ام ذوجه ام تهجر به والله لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی غله اسلبها جلب شعیره ما فعلته و ان دنیاکم عندی لاهون من ورقه فی خم جراده تقضمها ما لعلی و لنعیم یفنی ولذه لایبقی (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۴) یعنی سوگواران بر عزایت اشک بریزند. آیا با این عنوان و دین خدا آمده‌ای که مرا فریب دهی و از آیین حق بازداری؟ دستگاه ادارکت به هم ریخته، یا دیوانه شده‌ای و یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند اگر اقلیم‌های هفتگانه را با آنچه در زمین و آسمان‌هاست به من دهند که خدا را با گرفتن پوست جوی از دهان مورچه‌ای نافرمانی کنم، هرگز نخواهم کرد. این دنیای شما از برگ جویده‌ای که در دهان ملخی باشد، نزد من خوارتر و بی‌ارزش‌تر است. علی را با نعمت‌های فناناپذیر و لذت‌های نابود شدنی دنیا چه کار؟

علی علیه السلام فرمود: ««ایما وال احتجب عن حوائج الناس احتحب الله عنه یوم القیامه و عن حوائجه و ان اخذ هدیه کان غلولا و ان اخذ الرشوه فهو مشرک» (وسائل الشیعه، کتاب التجاره، ج ۱۷، ص ۹۴. یعنی هر والی و زمامدار و مسئولی که از برآوردن نیازهای مردم خودداری کند، خدای سبحان در روز قیامت بین او و خودش و نیازهایش حاجبی را قرار می‌دهد. اگر از کسی هدیه‌ای دریافت کند، خیانتکار است و اگر رشوه بگیرد، مشرک است.

حضرت علی(ع) درباره کسانی که حرام‌خواری می‌کنند، فرمود: ««کسی که حاجت برادر مسلمان خود را برطرف می‌کند و سپس از او هدیه می‌پذیرد، هو الرجل یقضی لاخیه الحاجه ثم یقبل هدیه» (همان، ص ۹۵) پیامبر اکرم (ص) فرمود: هدیه الامراء غلول (همان، ج ۲۷، ص ۲۲۳) یعنی هدیه فرمانروای خیانت است.

به پیامبر اکرم (ص) خبر دادند یکی از فرماندارانش به شکل هدیه، رشوه پذیرفته است. حضرت ناراحت شدند و به او فرمودند: ««کیف تأخذ ما لیس لك بحق» (چرا آنچه را که حق تو نیست می‌گیری؟) او با عذرخواهی در پاسخ گفت: ««لقد کانت هدیه یا رسول‌الله» ای رسول خدا! آنچه گرفتم هدیه بود. پیامبر فرمودند: ««ارأیت لوقعه احدکم فی داره و لم توله عملاً ان کان الناس یهدونه شیئاً (الامام علی، ج ۱، ص ۱۵۵ - ۱۵۶) یعنی اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه می‌دهند؟ سپس دستور دادند، هدیه را از او بگیرند و در بیت‌المال قرار دهند و وی را از کار برکنار کرد.

رشوه کفر به خدا است

رشوه در اسلام به اندازه‌ای مورد نکوهش قرار گرفته است که آن را کفر به خدای بزرگ دانسته‌اند. امام صادق (ع) فرمودند: «#الرشا فی الحکم هو الکفر بالله» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۲۲) یعنی رشوه در حکم کفر به خداست. در حدیث دیگری فرمودند: «#فاما الرشا فی الحکم فهو الکفر بالله العظیم (الکافی، ج ۵، ص ۱۲۷) یعنی اما رشوه در قضاوت کفر به خدای بزرگ است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «#ایاکم و الرشوه فانها محض الکفر و لا یشم صاحب الرشوه ریح الجنه (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴) یعنی از رشوه بپرهیزید، زیرا رشوه کفر خالص است و صاحب رشوه، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

رشوه معنوی

گرچه در روایات و آیات رشوه در خصوص مسائل مالی صادق است و شامل رشوه معنوی نمی‌شود، ولی طبق روایات و مباحث فقهی، رشوه معنوی نیز حرمت دارد. مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی در عروه چنین فتوا داده است: «#الرشوه قد تكون مالا من عین او منفعه و قد تكون عملاً للقاضی کخیاطه ثوبه او تعمیر داره او نحوها و قد تكون قولاً کمدخه و الثنائی علیه لا ماله قلبه الی نفسه لیحکم له و قد تكون فعلاً من الافعال کالسعی فی حوائج و اظهار تعظیمه و تعجیله و نحو ذلك و کل ذلك محرم اما لصدق الرشوه علیها او للالحاق بها (العروه الوثقی، ج ۶، ص ۴۴۴) یعنی رشوه اقسامی دارد. گاهی مال است، چه عین مال باشد و چه منفعت آن؛ گاهی انجام دادن کاری برای قاضی است، مانند دوختن لباس او یا ساختن خانه او مانند آن؛ گاهی فعلی از افعال است، مانند تلاش در رفع حوائج و نیازهای او و اظهار تعظیم او و گاهی گفتار است مانند اینکه او را ستایش و توجه او را به خود جلب کند تا به نفع او حکم کند.

بنابراین، اگر کسی برای حل مشکل گذشته یا آینده خود یا ابطال حقی یا احقاق باطلی بیش از حد معمولی که در برخورد با برادران ایمانی خود رفتار می‌کند، تعظیم کرد و قاضی را محترم شمرد، رشوه دهنده است و قاضی که این احترام را تحویل می‌گیرد و از آن لذت می‌برد، رشوه‌گیرنده است و آن راشی و رشوه‌دهنده با کار خود دستی به درون بدبوی این رشوه‌گیرنده می‌اندازند و مشتی لجن را بیرون می‌کشند و سر و روی خود را با آن آلوده می‌سازند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «#لعن الله الراشی و المرتشی و الماشی بینهما (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۳): خداوند گیرنده و دهنده رشوه و آن کسی را که واسطه میان آن دوست، از رحمت خود دور می‌گرداند.

۱- غصب: مالی که از آن دیگران است و آدمی بناحق آن را تصرف کرده است، غاصب و استفاده از آن مال حرام است. اگر کسی از راه رشوه، به حکم قاضی، مالی را که استحقاق آن را ندارد، دریافت کند، غصب است. حکم قاضی، واقع را تغییر نمی‌دهد و برای او مالکیت نمی‌آورد؛ بنابراین، کسی که می‌داند مال اخذ شده از آن وی نیست و با شهادت باطل و دسیسه یا سوگند دروغ و حکم باطل حاکم، آن را گرفته است، تصرف در آن حرام و مصداق اکل مال به باطل است.

۲- خوردن مال یتیم: تعدی به مال یتیم از مصادیق اکل مال به باطل است که به شدت از آن نهی شده است «#و اتوا الیتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبیث بالطیب و لا تأکلوا اموالهم الی اموالکم إنه کان حوباً کبیراً» (نسا، ۲) یعنی اموال یتیمان را هنگامی که به حد رشد رسیدند به آنان بدهید و اموال بد خود را با اموال خوب آنان عوض نکنید و اموال آنان را همراه اموال خودتان با مخلوط کردن نخورید، زیرا این گناه بزرگی است.

۳- رباخواری: ربا در آیات فراوانی نکوهش شده است. گاه قرآن کار رباخواران را اعلان جنگ با خدا می‌داند (بقره، ۲۷۹) و زمانی یکی از علل عذاب بنی‌اسرائیل را رباخواری و مال مردم خواری آنان بیان می‌کند: «#وَأَخْذَهُمُ الرِّبَا وَقَدْ نَهَوْنَا عَنْهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ» (نسا، ۱۶۱) یهودیان به خاطر دریافت ربا با اینکه از آن نهی شده‌اند و تصرف آنها در مال حرام از روی باطل، به عذاب گرفتار شدند.

۴- کم فروشی: از مصادیق اکل به باطل، بهره‌وری از مالی است که به وسیله کم‌فروشی به دست می‌آید: «#و یل للمطففین الذین إذا اکتالوا علی الناس یتوفون و إذا کالوهم أو وزنوهم یتخسرون» (سوره المطففین، آیه ۳-۱): وای بر کم فروشان، آنان که هنگام دریافت مال تجاری با پیمانانه پر تحویل می‌گیرند و هنگام فروش و تحویل آن می‌کوشند، با میزان ناقص و پیمان کم تحویل دهند. آیا آنان به روز قیامت که روز عظیمی است، اعتقاد ندارند؟ این آیات نشان می‌دهد، مالی که با کم فروشی به دست می‌آید، مال حرام است و تصرف در آن، اکل مال به باطل و حرام است.

۵- قمار: یکی از مصادیق اکل مال به باطل مالی است که از راه برد و باخت و قمار به دست می‌آید. از امام صادق (ع) در مورد اکل مال به باطل سؤال کردند. آن حضرت فرمودند: «#کانت قریش تقامر الرجل باهله و ماله قنهام الله عزوجل عن ذلك (مجمع البیان، ج ۲-۱، ص ۵۰۶): قریش با اهل و مال خود قمار می‌کرد که خدا آنان را از آن نهی کرده است.

در روایات فراوانی قمار از مصادیق مال به باطل شمرده شده است (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۶۴ تا ص ۱۶۸).

حرمت مال و جان مردم

حرمت مال به اندازه‌ای است که اسلام آن را در کنار حرمت خون بی‌گناه آورده است، به گونه‌ای که در یک آیه، هم از تصرف باطل در مال مردم نهی می‌کند و هم از ریختن خون یکدیگر بناحق جلوگیری می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «#المسلم علی المسلم حرام ماله و عرضه و دمه» (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۸۵۲) یعنی مال و آبرو و خون مسلمان بر مسلمان حرام است. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «#ولا تقتلوا انفسکم».

تجارت توأم با تراضی

در آیه مورد بحث، پس از نهی از تصرف در مال مردم، در يك صورت تصرف در مال دیگران را اجازه داده است و آن از طریق داد و ستدی است که از رضایت باطنی دو طرف سرچشمه گرفته باشد. در واقع تجارت به همه مبادلات مالی، خواه به صورت خرید و فروش و خواه به صورت اجاره و مزارعه و مضاربه و یا غیر آن اطلاق می‌شود.

تجارت رضایت‌مندانه، مبادله مال به مال با رضایت طرفین است. اگر مبادله باشد، بدون رضایت، باطل است. چنانچه رضایت حاصل شود، ولی تجارت نباشد، یا معامله از روی غرور و فریب و یا سفاهت و کم‌خردی باشد، باطل است. در قمار داد و ستد متقابل و رضایت هست، ولی تجارت نیست. قمار باز بر اساس وحدت مطلوب، یعنی رضایت بدون تجارت، راضی است، نه تعدد مطلوب بینی تجارت و رضایت، از این‌رو تصرف در آن مال حرام است.

رحمت الهی سرچشمه احکام

خداوند احکام و ضوابط دینی را براساس رحمت تنظیم فرموده است: ﴿وَأَن اللّٰهُ كَانَ بِكُم رَحِيمًا﴾، یعنی هر سه اصل حرمت اکل مال به باطل و محوریت گردش مال براساس تجارت و رضایت و حرمت خودکشی و دیگر کشتی، قوانین و ضوابط کلی براساس رحمت‌الهی هستند.

کاربردهای تجارت در قرآن

تجارت در قرآن کریم در معنای جامع و مجازی نیز به کار رفته است. تجارت جامع یعنی مطلق کار و تلاش‌های اقتصادی در سوره نور آمده است: ﴿وَالَّذِينَ لَا تَلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (نور، ۳۷) یعنی مردانی که تجارت و داد و ستد، آنان را از یاد خدا باز نمی‌دارد. تجارت در این آیه، صرفاً داد و ستد نیست، بلکه هر نوع اشتغالی از قبیل کشاورزی، کارگری، کارمندی، پیمانکاری، دامداری، معاملات و... را شامل می‌شود.

تجارت مجازی، تجارتی است که انسان با اینکه چیزی ندارد که به خدا بفروشد و خدا خریدار آن باشد، با او انجام می‌دهد. پس این تجارتی مجازی است. انسان کاری را برای خدا انجام نمی‌دهد که مزد بگیرد، بلکه کارهایش برای کمال و جبران نقص خویش است و لذا اگر در سوره صف، ایمان به خدا را تجارت نجات‌بخش نامید (صف آیه ۱۰-۱۱) و در سوره توبه از فروش جان به خدا سخن می‌گوید (توبه، آیه ۱۱) انسان مالک جان و نفع و ضرر خود نیست و لذا تغییر مجازی و برای تشویق است.

سریچی از قوانین الهی و پیامد آن

خدای رحیمی که براساس مهر و رحمت، حرمت اکل مال به باطل، حلیت تجارت رضایت‌مندان و رحمت قتل نفس را تنظیم فرموده است، مقتدرانه و عادلانه براساس قهر، متعدی و ظالم را به آتش می‌برد و می‌سوزاند و این کار برای او آسان است: ﴿وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وَظُلْمًا فَسُوفَ نَصْلِيهِ نَارًا﴾ ظلم و عدوان در قرآن مترادف نیستند، زیرا واژه ظلم جامع ستم به خویش و ستم به دیگران است.

صرف مال خود در حرام و تعدی به مال دیگران، هر دو ظلم و ستم هستند، ولی عدوان درباره خود معنا ندارد. اکل مال خود به باطل و خودکشی عدوان نیست، گرچه ظلم است.

آسان بودن کار برای خدای سبحان

همه کارها اعم از آفرینش و تدبیر، احیاء و امامه و مانند آنها برای خدا آسانند، اما در عین حال قرآن می‌فرماید آن خدایی که براساس مهر، احکامی را مقرر می‌دارد، براساس قهر نیز قوانینی را معین فرموده است که به استناد آنها متعدی و ظالم را به آتش می‌برد و این کار برای وی آسان است، زیرا خدا قادر مطلق و موجود بی‌نهایت است.

نتیجه‌گیری

از مجموعه مباحث این مقاله چنین نتیجه گرفته می‌شود که یکی از وظایف مؤمنان از نظر مالی و اقتصادی آن است که از تصرف در مال حرام خودداری کنند و به باطل در مالی تصرف نکنند؛ از این‌رو از گرفتن رشوه، ربا، دزدی، قمار، کم‌فروشی، خوردن مال یتیم و مانند آن خودداری کم‌فروشی، خوردن مال یتیم و مانند آن خودداری و تنها از راهی درآمد کسب کنند که مشروع باشد. یکی از راه‌های درآمد حلال، تجارت رضایت‌مندانه است. اگر انسان از راه حرام کسب مال و آن را در زندگی مصرف و یا اقدام به کشتن دیگران یا خود کند، فردی ظالم و متجاوز است و انسان ظالم و متعدی گرفتار عذاب الهی خواهد شد.

منبع: مجله پاسدار اسلام